

## یادداشت

## آتش زیر خاکستر در جنوب آسیا

**بحران میان افغانستان و پاکستان** می‌تواند منطقه را وارد مرحله خطرناک کند

### علیرضارجانی

تحولات اخیر در مرزهای پاکستان و افغانستان، دیگر یک حادثه مقطعی یا درگیری معمولی مرزی نیست؛ مجموعه‌ای از تحركات نظامی، سخنان تند مقام‌های سیاسی و اقدامات امنیتی داخلی نشان می‌دهد سطح تنش در حال بالارفتن است. این وضعیت، اگر ادامه پیدا کند، می‌تواند به یکی از مهم‌ترین بحران‌های امنیتی جنوب آسیا تبدیل شود. مقام‌های پاکستانی از جمله محسن نقوی، با ادبیاتی بسیار تند درباره حملات اخیر صحبت کرده‌اند. چنین موضع‌گیری‌هایی معمولاً زمانی مطرح می‌شود که دولت‌ها احساس کنند باید هم‌زمان چند پیام ارسال کنند؛ پیام اول به طرف مقابل است تا نشان دهد پاسخ سخت در راه است و پیام دوم به افکار عمومی داخل کشور است تا حمایت سیاسی از اقدامات امنیتی دولت شکل بگیرد. در واقع بحران فعلی تنها یک مسئله مرزی نیست؛ پشت این تنش چند واقعیت مهم قرار دارد. نخست نگرانی امنیتی پاکستان درباره فعالیت گروه‌های مسلح در نزدیکی مرزهاست. اسلام‌آباد معتقد است برخی از این گروه‌ها از داخل افغانستان علیه پاکستان اقدام می‌کنند. اگر این نگرانی در ساختار امنیتی پاکستان جدی‌تر شود، احتمال افزایش عملیات نظامی بیشتر خواهد شد. دوم شکاف سیاسی میان کابل و اسلام‌آباد است. در سال‌های گذشته تصور می‌شد روابط میان طالبان و پاکستان نزدیک باشد، اما اکنون نشانه‌های روشنی از اختلاف منافع دیده می‌شود. طالبان تلاش می‌کند استقلال خود را نشان دهد و پاکستان نیز نمی‌خواهد امنیت مرزهایش به خطر بیفتد. همین موضوع باعث شده است سطح بی‌اعتمادی افزایش یابد. سوم بُعد منطقه‌ای بحران است. برخی مقام‌های پاکستانی به نقش هند اشاره کرده‌اند؛ اگر این نگاه در فضای امنیتی پاکستان تقویت شود، بحران می‌تواند وارد مرحله رقابت ژئوپلیتیکی شود و در آن صورت فقط به افغانستان محدود نخواهد ماند. در روزهای اخیر چند نشانه مهم دیده شده است که نشان می‌دهد وضعیت در حال حساس‌ترشدن است؛ تصویب قطع‌نامه در پارلمان پاکستان علیه طالبان، افزایش عملیات امنیتی در شهرهای مختلف و بازداشت برخی اتباع افغانستان و همچنین ادامه درگیری‌های مرزی ازجمله این نشانه‌هاست. این اقدامات معمولاً زمانی دیده می‌شود که دولت‌ها احتمال افزایش تهدیدات را جدی بدانند. در سطح منطقه نیز نگرانی‌ها افزایش یافته است. اعلام آمادگی برای میانجیگری از سوی ایران و توجه برخی قدرت‌ها مانند روسیه به این بحران، نشان می‌دهد احتمال بی‌ثباتی گسترده‌تر مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا هرگونه بحران طولانی در مرز افغانستان و پاکستان می‌تواند امنیت منطقه و مسیرهای اقتصادی مهم را تحت تأثیر قرار دهد.
باین حال، یک واقعیت مهم وجود دارد؛ هیچ‌یک از طرف‌ها در شرایط فعلی آمادگی یک جنگ بزرگ را ندارند. افغانستان با مشکلات اقتصادی و سیاسی گسترده روبرو بوده و پاکستان نیز با چالش‌های امنیتی و اقتصادی داخلی مواجه است؛ به همین دلیل احتمال جنگ فراگیر در کوتاه‌مدت پایین است.اما خطر واقعی در روندی است که به‌تدریج شکل می‌گیرد. اگر این تنش‌ها ادامه پیدا کند، اعتماد از بین برود و درگیری‌های مرزی تکرار شود، منطقه ممکن است وارد یک دوره بی‌ثباتی طولانی شود. چنین وضعیتی می‌تواند جنوب آسیا را به یکی از کانون‌های بحران امنیتی تبدیل کند. به بیان ساده، اکنون منطقه در نقطه هشدار قرار دارد. اگر دیپلماسی فعال نشده و کاتان‌های گفت‌وگو میان کابل و اسلام‌آباد تقویت نشود، بحران امروز می‌تواند به یک مسئله بزرگ‌تر در آینده نزدیک تبدیل شود.

### خیابان بهشت در شهر بهشت تعارض منافع

اما در وضعیت فعلی هر حزبی بتواند در موقعیت «نظارت بر انتخابات» قرار بگیرد، درواقع بلیت یک‌سره به بهشت را می‌گیرد و جایگاهش در خیابان بهشت مصون از تعرض اغیار است، زیرا می‌تواند با فن در صلاحیت پشتت همه رقبا را به تشک برساند و با

ضربه فنی پیروز میدان انتخابات شود!

سال‌هاست کارشاسان دلسوز و ایران‌دوست بر این نکته تأکید می‌کنند که حذف داوطلبان انتخابات با ابزار در صلاحیت، آن‌هم در شرایطی که این ابزار در دست یک جریان سیاسی خاص است، نتیجه‌ای جز محدودکردن حق انتخاب مردم و ایجاد موقعیتی‌رشک‌برانگیز برای آن جریان سیاسی ندارد که بدون مزاحمت اغیار و با رای اندک مدعی نمایندگی مردم باشد و خود را پیروز انتخابات بداند. اصرار بر اجرای این شیوه ناکارآمد سال به سال تمایل مردم را به شرکت در انتخابات کاهش داده، و نرخ مشارکت را به رقمی بسیار نگران‌کننده رسانده است. به بیان دیگر هرچند با این کار گریبان علاقه‌مندان به کرسی‌ها از جنگ یک جریان سیاسی ریشه‌دار و منتقد سرسخت رهایی یافته، اما از یک سو نظام حکمرانی کشور از برکات رقابت سالم انتخاباتی که می‌تواند به تحکیم مبانی شایسته‌سالاری کمک کند، محروم شده، و از سوی دیگر این باور در بین گروه بزرگی از شهروندان رواج یافته که گویا کسی اعتنایی به خواست و اراده آنان ندارد، و حضور آنان در صحنه انتخابات منجر به تغییر شرایط، چه در میدان سیاست و چه در میدان اقتصاد و فرهنگ نمی‌شود . به‌راستی آیا آن دستاورد حزبی ارزش تحمیل چنین هزینه گزافی به کشور را دارد؟

اما این رد صلاحیت از منظر دیگر نیز قابل بررسی است. مبحث تعارض منافع یکی از مهم‌ترین سرفصل‌ها در حوزه مبارزه با فساد است. یکی از مهم‌ترین و بازرترین تفاوت‌ها بین جوامع رو به تعالی و جوامعی که رو به افول دارند، این است که در گروه اول شیوه‌های قانون‌گذاری و نظارت به نحوی سازمان یافته‌اند که امکان بهره‌برداری شخصی و حزبی برای صاحبان قدرت در هر سطحی به حد قابل برسد، اما در گروه دوم تدبیری جدی برای این معضل اندیشیده و به کار گرفته نمی‌شود. متأسفانه در کشور ما متولیان امر توجه چندانی به اهمیت این مبحث ندارند و به‌همین دلیل اغراق نیست اگر از عبارت «بهشت تعارض منافع» در توصیف وضعیت موجود استفاده کنیم.

یکی از مصداق‌های بارز تعارض منافع همین موضوع سپردن اختیار نظارت بر انتخابات به یکی از طرفین دعواست. در چنین شرایطی آن جریان سیاسی که از این قدرت ارزشمند برخوردار شده، به استفاده از آن در مسیر اهداف جناحی تشویق خواهد شد. وقتی می‌توان با حذف نامزدهای شاخص جریان رقیب در انتخابات به پیروزی رسید، چرا از این اختیار استفاده نکنیم؟ به‌ویژه اینکه خیالمان راحت باشد که کسی به شکایت و اعتراض حذف‌شدگان اعتنایی نخواهد کرد! در چنین فضایی است که هیئت نظارت از ورود چهار عضو شورای پنج‌م به رقابت‌های انتخاباتی جلوگیری کرده، و حتی به اعتراضات و افشاکاری آنها پاسخ هم نمی‌دهد.

اما نکته پائینی اینکه رئیس‌جمهوری محترم تأکید دارند که دولت ایشان صدای بی‌صدابان است. اینک جریان سیاسی تندرو علاوه بر بی‌صدابان اقدام به حذف افرادی کرده که با هیچ معیاری جز بی‌صدابان جامعه طبقه‌بندی نمی‌شوند، و باید گفت وقتی این افراد باصدا با چنین شیوه حذف می‌شوند، می‌توان ایجاد برخورد یا بی‌صدابان را تصور کرد . ازاین‌رو ماجرای رد صلاحیت چهار عضو باصداى شورای شهر را می‌توان آزمونى برای دولت‌مردان دولت چه‌رادم تلقی کرد و به تعبیر عامیانه باید به آنان گفت: «صدای بی‌صدابان شدن پیشکش، دست‌کم صدای باصدابان باشید!». حال باید منتظر ماند و دید که این دولت و رئیس محترم آن چگونه از حقوق مردم دفاع کرده و از محدودشدن درجه انتخاب مردم جلوگیری خواهند کرد.

**شرق**: سرانجام پس از هفته‌ها تعلیق میان دوگانه «توافق یا جنگ»، روند تحولات به نقطه‌ای رسید که بسیاری از ناظران از ابتدا درباره آن هشدار می‌دادند. دونالد ترامپ صبح دیروز (شنبه) و بلافاصله پس از پایان ضرب‌الاجل ۱۰روزه‌ای که خود تعیین کرده بود، با انتشار بیانی در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال، عملاً مسیر تقابل نظامی با ایران را برگزید و وضعیت را وارد مرحله‌ای تازه کرد.

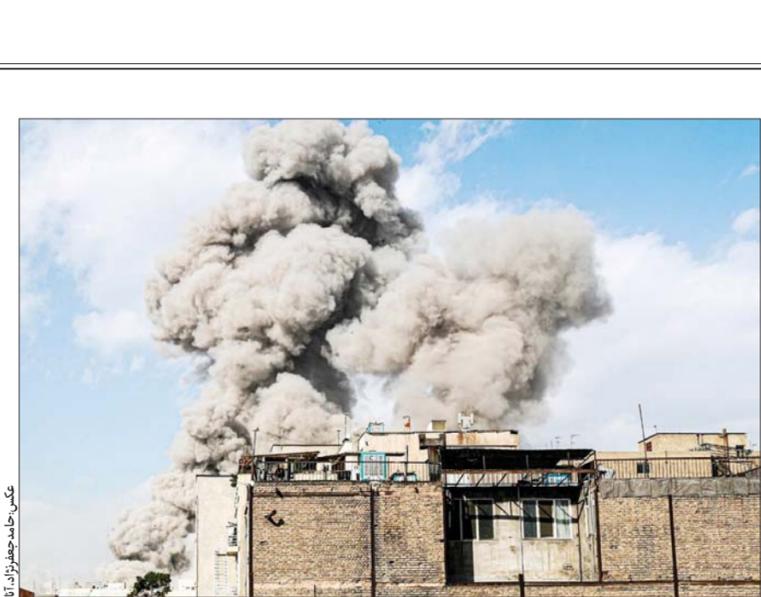
از همان آغاز تنش‌های اخیر، نشانه‌های روشنی وجود داشت که رویکرد فشار حداکثری و ادبیات تهدیدآمیز کاخ سفید، بیش از آنکه با هدف دستیابی به یک تفاهم پایدار باشد، در راستای اعمال اراده یک‌جانبه تعریف شده است. تأکید مکرر بر شروط حداکثری، بی‌اعتنایی به پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی منطقه و نادیده‌گرفتن پیامدهای گسترده هرگونه درگیری، نشان می‌داد که گزینه نظامی همواره به‌عنوان ابزاری جدی در محاسبات واشنگتن حضور دارد. اکنون با پایان مهلت اعلام‌شده و صدور پیام رسمی، این نگرانی به واقعیت بدل شده است. بسیاری بر این باورند که روحیه تقابلی و نگاه زیاده‌خواهانه حاکم بر تصمیم‌سازی در واشنگتن، آمریکا را به سمت اقدامی سوق داد که نه‌تنها ثبات منطقه، بلکه امنیت و منافع بلندمدت خود این کشور را نیز با مخاطره روبرو می‌کند. در حالی که نگاه زیاده‌خواهانه حاکم بر تصمیم‌سازی در واشنگتن، آمریکا را به سمت اقدامی سوق داد که نه‌تنها ثبات منطقه، بلکه امنیت و منافع بلندمدت خود این کشور را نیز با مخاطره روبرو می‌کند. در پی این اعلام رسمی رئیس‌جمهور آمریکا درباره آغاز عملیات نظامی علیه ایران، منابع خبری از شنیده‌شدن صدای انفجار در چندین شهر کشور خبر دادند. خبرگزاری فارس گزارش داد که صداهای انفجار در شهرهای تبریز، دزفول، جزیره خارک، نهاوند و کنگاور (استان کرمانشاه) شنیده شده است. حملات هوایی که از حدود ساعت ۱۰ صبح دیروز علیه مناطقی در مرکز تهران آغاز شد، همچنان در بخش‌هایی از پایتخت ادامه دارد و هم‌زمان با صدای انفجارها، صدای فعالیت سامانه‌های پدافند هوایی نیز به گوش می‌رسد. براساس گزارش‌های میدانی، در ساعات ابتدایی حملات، دست‌کم چند نقطه در مناطق مرکزی، شمالی و شرقی تهران هدف قرار گرفت و ستون‌هایی از دود در برخی نقاط شهر مشاهده شد. منابع غیررسمی از اختلال در خطوط تلفن همراه در بخش‌هایی از تهران خبر دادند.

خبرگزاری‌های داخلی ازجمله مهر و ایرنا گزارش دادند که حوالی ساعت ۹:۳۰ چند انفجار در سه نقطه تهران رخ داد و حدود ساعت ۱۰:۰۵ نیز دست‌کم دو انفجار دیگر شنیده شد. تسنیم به نقل از شهروندان از وقوع دو انفجار در محدوده سیدخندان خبر داد و فارس نیز از اصابت چند موشک به حوالی خیابان دانشگاه و محدوده جمهوری گزارش منتشر کرد. همچنین مساهایی از انفجار در شرق تهران، اصفهان، قم، کرج و کرمانشاه مخابره شد. در ادامه این تحولات، رسانه‌های داخلی از شنیده‌شدن صدای انفجار در تبریز، دزفول، جزیره خارک، نهاوند و کنگاور خبر دادند. خبرگزاری مهر نیز گزارش داد در ارومیه صدای انفجار شنیده شده است. در استان ایلام، روابط‌عمومی سپاه امیرالمؤمنین (ع) اعلام کرد انفجار ناشی از بمب‌ه‌ه‌ای به یکی از مقرهای نظامی این استان تلفات جانی نداشته است.

هم‌زمان با گسترش حملات، سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری از صدور نوبام و بسته‌شدن فضای هوایی کل کشور از اطلاع ثانوی خبر داد. همچنین گزارش شد آسمان برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز بسته شده است. این اقدام در شرایطی انجام شد که تبادل حملات به سرعت ابعاغ منطقه‌ای پیدا کرده است. وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران هم با صدور اطلاعیه‌ای، تجاوز صبح دیروز آمریکا و رژیم صهیونیستی به تهران و چند شهر دیگر را محکوم کرد و آن را نقض آشکار قوانین بین‌المللی و اقدامی مغایر با روند مذاکرات دانست. در این اطلاعیه تأکید شده است که وزارت کشور با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها، حفظ نظم و آرامش عمومی و تداوم خدمت‌رسانی به مردم را در اولویت قرار داده است. براساس این اطلاعیه، وزیر کشور با صدور دستوری به استانداران سراسر کشور، بر ارائه سریع گزارش از وضعیت استان‌ها و بسیج همه امکانات برای پاسخ‌گویی به نیازهای فوری مردم تأکید کرده است. همچنین به دستور اسکندر مؤمنی، ستاد مدیریت بحران کشور تشکیل و هماهنگی‌های لازم با ادارات کل مدیریت بحران استان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط انجام شده است. وزارت کشور از شهروندان خواسته ضمن حفظ آرامش، ترده‌های شهری و بین‌شهری را مدیریت کرده و اخبار را تنها از منابع رسمی ازجمله صداوسیما دنبال کنند و از دامن‌زدن به شایعات پرهیز کنند.

### از «وعده صادق ۴» تا گسترش دامنه منطقه‌ای

در واکنش به حملات صورت‌گرفته، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای از آغاز عملیات «وعده صادق ۴» خبر داد. در اطلاعیه شماره ۲ سپاه آمده است که در پاسخ به «تجاوز آمریکایی-صهیونیستی»، موشک‌ها و پهپادهای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی ارتش آمریکا در بحرین و دیگر پایگاه‌های نظامی آمریکا در قطر و امارات، همچنین مراکز نظامی و امنیتی در «قلب سرزمین‌های اشغالی» را هدف قرار داده‌اند. سپاه تأکید کرده است که این حملات ادامه



عکس خاصه جعفری از تانک

### گزارش «شرق» از تجاوز دوباره اسرائیل و آمریکا به خاک ایران

# باز هم میز مذاکره در آتش جنگ سوخت

خواهد داشت و اطلاعات تکمیلی متعاقباً اعلام می‌شود. خبرگزاری ایرنا نیز هدف قرارگرفتن مقر ناوگان پنجم آمریکا در بحرین را تأیید کرد. روتترز از بلندشدن دود از منطقه جفیر در بحرین-محل استقرار پایگاه دریایی آمریکا- خبر داد و خبرگزاری رسمی بحرین نیز اعلام کرد مرکز خدمات ناوگان پنجم، هدف حمله موشکی قرار گرفته است. خبرگزاری فارس همچنین گزارش داد پایگاه علی‌السالم آمریکا در کویت هدف موشک‌های ایران قرار گرفته است. در سوی دیگر، برخی رسانه‌ها از شنیده‌شدن صدای انفجار در کویت و ابوظبی خبر دادند. شبکه الجزیره اعلام کرد در کویت آژیرهای خطر به صدا درآمده و انفجارهایی در این کشور و نیز در امارات شنیده شده است. همچنین گزارش‌هایی از وقوع انفجار در ریاض، پایتخت عربستان سعودی، منتشر شد که تا لحظه تنظیم این گزارش، منابع رسمی آن را تأیید نکرده‌اند.

در اراضی اشغالی نیز منافع عبری از آغاز موج نخست و سپس موج دوم حملات موشکی ایران خبر دادند. فارس اعلام کرد آژیرهای هشدار در سراسر اراضی اشغالی به صدا درآمده و شبکه ۱۲ تلویزیون این رژیم از بسته‌شدن حریم هوایی خبر داده است. یک مقام آمریکایی به الجزیره گفت نیروی هوایی ایالات متحده در حملات علیه ایران مشارکت دارد. هم‌زمان، سفارت آمریکا در قطر اعلام کرد پس از حملات اخیر، برای همه کارکنان خود دستور «بناه‌گیری در محل» صادر کرده و از شهروندان آمریکایی نیز خواسته است تا اطلاع ثانوی همین اقدام را انجام دهند. در تحولی دیگر، شورای عالی امنیت ملی ایران با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پاسخ کوبنده به اقدامات آمریکا و اسرائیل را آغاز کرده‌اند. در این اطلاعیه از مردم خواسته شده ضمن حفظ آرامش، از ازدحام در مراکز خرید خودداری کنند و در صورت امکان به شهرها و مناطق امن‌تر سفر کنند. همچنین اعلام شد مدارس و دانشگاه‌ها تا اطلاع ثانوی تعطیل خواهند بود. ادارات دولتی به صورت ۵۰ درصد فعالیت می‌کنند و بانک‌ها در خدمت‌رسانی به مردم فعال خواهند بود.

از منظر سیاسی، مقامات آمریکایی و اسرائیلی نیز مواضع خود را اعلام کرده‌اند. وزیر جنگ اسرائیل مدعی شد این رژیم «حمله‌ای پیش‌دستانه» علیه ایران را آغاز کرده است. در واشنگتن، دونالد ترامپ اعلام کرد عملیات رزمی گسترده‌ای علیه ایران آغاز شده و هدف آن «دفاع از مردم آمریکا از طریق از بین بردن تهدیدهای قریب‌الوقوع» است. در داخل کشور، برخی رسانه‌ها به نقل از منابع آگاه اعلام کردند رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان در سلامت کامل است و مشکلی برای وی پیش نیامده. همچنین رسانه قوه قضائیه اعلام کرد رئیس قوه قضائیه در صحت و سلامت کامل به سر می‌برد. تحولات دیروز نشان‌دهنده گسترش سریع درگیری از سطح حملات محدود به یک تقابل منطقه‌ای است که چندین کشور را درگیر کرده است. بسته‌شدن هم‌زمان فضای هوایی ایران و برخی کشورهای منطقه، صدور هشدارهای امنیتی برای اتباع خارجی، فعال‌شدن پدافند هوایی در چند کشور و به صدا درآمدن آژیرهای خطر در اراضی اشغالی، همگی بیانگر ابعاد گسترده این روپارویی است. در حالی که تبادل حملات ادامه دارد، منابع رسمی در تهران تأکید کرده‌اند عملیات نیروهای مسلح ادامه خواهد داشت و اطلاع‌رسانی از طریق مراجع رسمی انجام می‌شود. از سوی دیگر، رسانه‌های منطقه‌ای از آمادہ‌باش در پایگاه‌های آمریکایی و افزایش سطح هشدار امنیتی در چند کشور خبر می‌دهند. این تداوم این وضعیت، چشم‌انداز تحولات به‌شدت به تصمیمات سیاسی و نظامی ساعات و روزهای آینده وابسته خواهد بود؛ تصمیماتی که می‌تواند دامنه درگیری را محدود یا آن را به سطحی گسترده‌تر در منطقه سوق دهد. در حال حاضر، آنچه قطعی است، ورود بحران به مرحله‌ای آشکار و پر تنش است و پیامدهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی آن نه‌تنها ایران و اسرائیل، بلکه کل منطقه خلیج فارس و حتی فراتر از آن را تحت تأثیر قرار داده است.

### وزارت امور خارجه: هنگامه آزمون بزرگ تاریخ فرا رسیده است

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دیروز (شنبه) ۹ اسفخن) با صدور بیانیه‌ای از حملات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران را محکوم کرد و آن را «تجاوز و جنایتکارانه» و نقض آشکار حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی کشور دانست. در این بیانیه، تأکید شده است که این حملات در آستانه نوروز و در دهمین روز از ماه مبارک رمضان انجام شده و مجموعه‌ای از اهداف و زیرساخت‌های دفاعی و نیز امکان غیرنظامی در شهرهای مختلف را هدف قرار داده است.

وزارت خارجه با اشاره به اینکه این اقدام در میانه روند دیپلماتیک بین ایران و آمریکا صورت گرفته، تصریح کرده است که جمهوری اسلامی ایران با وجود بی‌اعتمادی به نیت‌های طرف مقابل، برای اتمام حجت با جامعه جهانی وارد مذاکره شد تا حقانیت خود را اثبات و هرگونه بهانه برای تجاوزگری را سلب کند. در بیانیه آمده است: اکنون زمان دفاع از میهن فرا رسیده و نیروهای مسلح ایران با اقتدار به این تجاوز پاسخ خواهند داد. این بیانیه، حملات اخیر را نقض بند ۴ ماده ۲ مشور ملل متحد

### خبر

**رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی:**
**باز هم در حین مذاکرات، میز مذاکره به میدان جنگ تبدیل شد**
رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی گفت: از رژیم خبیث و کثیف صهیونیستی و آمریکای جنایتکار، ملت بزرگ ما انتظاری جز این نداشتند و ندارند؛ باز هم در حین مذاکرات، میز مذاکره را به میدان جنگ تبدیل کردند و باز هم با رویکردی مبتنی بر جنایت اقدام کردند. ابراهیم عزیزی درباره حملات رژیم صهیونیستی و آمریکا گفت: رژیم خبیث صهیونیستی و آمریکایی جنایتکار در یک اقدام خصمانه و در ادامه رفتارهای کینه‌توزانه خود، مجدداً امروز نقاطی از تهران و برخی از نقاط کشور را مورد حمله قرار داد. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی تأکید کرد: البته از رژیم خبیث و کثیف صهیونیستی و آمریکای جنایتکار، ملت بزرگ ما انتظاری جز این نداشتند و ندارند. باز هم در حین مذاکرات، میز مذاکره را به میدان جنگ تبدیل کردند و باز هم با رویکردی مبتنی بر جنایت اقدام کردند. وی ادامه داد: در ساعات اولیه به نیابت از ملت شجاع ایران به رژیم یلید صهیونیستی و آمریکای جنایتکار می‌گویم با در مسیری گذاشتید که بی‌باکشتن است، مطمئن باشید این ملت همان ملتی است که جنگ ۱۲روزه را که در پایانش تمنای آتش‌بس کردید، بود، بلکه شجاعت‌تر و آماده‌تر و مصمم‌تر از همیشه برای دفاع از کبان نظام جمهوری است. عزیزی گفت: نظام و قوای نظامی ما پای ایران عزیز ایستادند. آمریکا و رژیم کثیف و خبیث صهیونیستی بدانند؛ همه قوای نظامی و امنیتی و اقبشار ملت ایران یای ارزش‌های اسلام و تمامیت ارضی ایران ایستادیم. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی تأکید کرد: همان‌طور که در قیسل هم وعده کرده بودیم، از ابتدا هم گفتیم، هر اقدامی که آمریکایی‌ها انجام دهند، ما سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار می‌دهیم؛ چراکه ما رژیم صهیونیستی را عامل این جنگ می‌دانیم، او افزود، ما رژیم صهیونیستی را محرک این جنگ می‌دانیم، در عین حالی که پشتیبان اصلی آن آمریکایی‌ها هستند. حمله ایران به سرزمین‌های اشغالی انجام شده است. خبرهایی که الان هست، اکثر سرزمین‌های اشغالی در معرض نیروهای مسلح شجاع ماست. عزیزی گفت: بارها گفتیم، به آمریکایی‌ها گفتیم ما پیروز این میدان هستیم و مطمئن باشید شکست مجددی را شاهد خواهید بود. وی خطاب به مردم گفت: مردم عزیز آرامش خودتان را حفظ کنید، همان‌طور که در جنگ ۱۲روزه آرامش خودتان را حفظ کردید. با مسئولین همکاری کنید. سعی کنید از مراجعه به محل‌هایی که مورد اقدام قرار بگیرند، پرهیز کنید. به نیروهای مسلح کشور اعتماد کنید. مطمئن باشید پاسخ نپیمان‌کننده به دشمن خواهیم داد. خواهش می‌کنم جنگ روانی دشمن را با بهره‌گیری از مراجع رسمی خبری خنثی کنید. همکاری قطعا در پیروزی نیروهای مسلح و سایر ارکان نظام مؤثر است.

و مصداق «تجاوز مسلحانه» توصیف کرده و با استناد به ماده ۵۱ منشور، حق دفاع مشروع ایران را مورد تأکید قرار داده است. وزارت خارجه از سازمان ملل متحد، شورای امنیت و دبیر کل این سازمان خواسته است فوراً برای مقابله با این اقدام و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی وارد عمل شوند. همچنین از دولت‌های عضو سازمان ملل، به‌ویژه کشورهای منطقه و اسلامی و اعضای جنبش عدم تعهد، خواسته شده است این اقدام را محکوم کرده و در برابر آن موضعی مسئولانه اتخاذ کنند.

### موازنه ایران برای کل منطقه

در پی آنکه ایران طی یک سال اخیر (۱۴۰۴) دو بار هدف حملات مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفت، به نظر می‌رسد دکترین نظامی-امنیتی و دفاعی جمهوری اسلامی وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که از «بازارندگی موضعی» به «بازارندگی منطقه‌ای فعال» گذار می‌کند. پیش‌تر نیز مقامات نظامی هشدار داده بودند در صورت تکرار تجاوز، پاسخ ایران محدود به جغرافیای تهران یا حتی مرزهای سرزمینی نخواهد بود، بلکه کل محیط عملیاتی غرب آسیا را در بر خواهد گرفت. تحولات اخیر نشان داد این هشدار صرفاً موضعی سیاسی نبود، بلکه در قالب یک رویکرد عملیاتی تعریف شده است. آغاز حملات متقابل علیه پایگاه‌های آمریکا در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، ازجمله مواضعی که به‌عنوان عقبه لجستیکی و عملیاتی واشنگتن شناخته می‌شوند، بیانگر آن است که تهران تلاش دارد هزینه میزبانی نظامی از آمریکا را به سطحی ملموس ارتقا دهد. این اقدام در چارچوب راهبرد «گسترش میدان پاسخ» قابل تحلیل است؛ راهبردی که معادله تقابل را از یک نبرد دوطرفه به شبکه‌ای از بازیگران و جغرافیاهای درگیر تبدیل می‌کند. در چنین شرایطی، امنیت کشورهای منطقه دیگر منفک از سطح تنش تهران-واشنگتن یا تهران-تل‌آویو نیست، بلکه مستقیم با آن گره می‌خورد.

پیامد این تغییر دکترین، صرفاً نظامی نیست، بلکه ابعاد ژئوپلیتیکی و اقتصادی گسترده‌ای دارد. منطقه خلیج فارس شریان اصلی انرژی جهان است و هرگونه ناامنی در پیرامون پایگاه‌های نظامی یا خطوط کشتیرانی، بازارهای جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افزایش ریسک ژئوپلیتیک می‌تواند قیمت نفت، گاز و حتی فلزات گران‌بها را دست‌نخوش نوسان‌های شدید کرده و فضای اقتصاد جهانی را بی‌ثبات‌تر کند. از این منظر، معادله جدید نه‌فقط یک رویارویی نظامی، بلکه بازتعریف توازن قدرت در غرب آسیاست؛ توازنی که اکنون با پیوند امنیت منطقه و امنیت پایگاه‌های فرمانطقه‌ای، وارد مرحله‌ای پیچیده و چندلایه شده است.

### هزینه موازنه

تحولات اخیر و گسترش دامنه پاسخ‌های نظامی ایران به پایگاه‌های آمریکا در برخی کشورهای عربی، بی‌تردید می‌تواند زمینه‌ساز شکاف‌های دیپلماتیک تازه‌ای میان تهران و پایتخت‌های منطقه باشد. نشانه‌هایی از موضع‌گیری انتقادی برخی دولت‌ها، بیانگر آن است که بخشی از جهان عرب، در وضعیت کنونی، میان لزیمات امنیتی، تعهدات راهبردی با واشنگتن و ضرورت‌های مهربستگی منطقه‌ای گرفتار ناشی شده‌اند. این وضعیت، باقوه می‌تواند به کاهش سطح اعتماد سیاسی با تعلیق برخی روندهای تنش‌زایبانه منجر شود.

باین‌حال، تحلیل شرایط صرفاً در سطح پیامدهای کوتاه‌مدت دیپلماتیک، تصویری ناقص ارائه می‌دهد؛ آنچه اکنون در حال شکل‌گیری است، گذار از یک نظم شکننده به مرحله‌ای تازه از «موازنه وحشت» و موازنه بیابنده. در غرب آسیاست، ایران، در پی دو دور حمله مستقیم، ناگزیر است به انتخاب‌های سخت تن دهد؛ انتخاب‌هایی که هرچند هزینه‌های اقتصادی و سیاسی در پی دارد، اما از منظر راهبردی می‌تواند به بازتعریف معادله بازارندگی منجر شود. در چنین شرایطی، منطق امنیتی بر منطق

مصلحت‌گرایی کوتاه‌مدت پیش می‌گیرد. موازنه قوی زمانی معنا می‌یابد که هزینه اقدام نظامی علیه یک بازیگر از منافع آن فراتر رود. اگر تهران بتواند این ادراک را در محیط پیرامونی تثبیت کند که هرگونه استفاده از خاک کشورهای منطقه علیه ایران، به‌طور مستقیم امنیت همان کشورها را در معرض تهدید قرار می‌دهد، آنگاه معادله امنیتی تغییر خواهد کرد. این رویکرد الزاما به معنای گسست دائمی با همسایگان نیست، بلکه تلاشی برای واداشتن آنان به بازاندیشی در سطح و ماهیت همکاری‌های نظامی با بازیگران فرمانطقه‌ای است.

بی‌تردید این مسیر با هزینه همراه است؛ از فشارهای دیپلماتیک تا تبعات اقتصادی. اما در منطق راهبردی، گاه پرداخت هزینه محدود، برای جلوگیری از تحمیل هزینه‌ای بزرگ‌تر در آینده ضروری است. اکنون پرسش اصلی نه صرفاً درباره تنش‌های مقطعی، بلکه درباره شکل‌گیری نظم امنیتی تازه‌ای است که در آن، بازارندگی متقابل به جای برتری یک‌جانبه، مبنای ثبات منطقه‌ای قرار گیرد.